



## ابوالحسن نورالوری و پسرش نورالوری خوشنویسان عهد صفوی

محمد مشهدی نوش آبادی\*

### چکیده:

این مقاله کوششی است در جهت معرفی آثار ابوالحسن نورالوری، یکی از خوشنویسان ناشناخته دوره صفوی و همچنین معرفی پسرش نورالوری. در بخش اول، ابتدا به خاندان نورالوری و اشارات به ابوالحسن و آثارش در کتاب‌های خاندانش می‌پردازیم و سپس سه اثر خوشنویسی بازمانده از وی را که در سال‌های ۱۰۳۲، ۱۰۴۲ و ۱۰۷۷ هجری کتابت کرده است، معرفی می‌کنیم. اثر اول سنگ قبری است در آران و بیدگل؛ اثر دوم کتابت درب نفیسی است در نوش‌آباد و اثر سوم کتابی است به نام *جامع القصص* که توسط وی، تدوین و نگارش شده است. در بخش دوم نیز، مقاله به معرفی درب مسجد حاج عبدالصمد بیدگل که در سال ۱۱۱۴ توسط نورالوری پسر ابوالحسن کتابت شده، پرداخته است و ضمن رفع ابهامات در نسبت این درب با آثار قبلی چند تن از دیگر خوشنویسان این خاندان را به اجمال معرفی می‌کنیم.

**کلیدواژه‌ها:** ابوالحسن نورالوری، نورالوری، خوشنویسی، کتیبه‌های صفوی.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲

\* استادیار دانشگاه کاشان / mnm5135@yahoo.ca



## مقدمه

در جریان تحقیقات میدانی در موضوع آثار تاریخی منطقه کاشان، دو اثر نفیس از خوشنویسانی به نام نورالوری دیدم که با وجود شباهت اساسی به لحاظ زمانی، با هم سازگار نبودند. اولی درب تاریخی مسجد حاج سید حسین نوش‌آباد به تاریخ ۱۰۴۲ و با کتابت «ابوالحسن بن نورالوری» و دومی درب نفیس مسجد حاج عبدالصمد بیدگل به تاریخ ۱۱۱۴ به کتابت «نورالوری». نخستین گمان من این بود که با توجه به وجود لقب نورالوری و همین‌طور شباهت چشمگیر طرح و کتیبه‌های این دو درب، کاتب درب دوم باید فرزند ابوالحسن باشد؛ همچنان‌که در سنت ایرانی-اسلامی، گذاشتن نام پدر بزرگ بر نوادگان امری معمول است. در عین حال، تصور می‌کردم که خاندان نورالوری خاندان خوشنویس معروفی در این منطقه بوده و طی چندین نسل در این هنر منحصر به فرد بوده‌اند. انتشار چند اثر در سال‌های اخیر، در بردارنده حلقه‌های نویافته‌ای از آثار ابوالحسن و خاندان خوشنویس وی است. بر این اساس، در این مقاله بر آنم تا ابوالحسن نورالوری و آثار خوشنویسی بازمانده از وی و همچنین یک اثر خوشنویسی برجای مانده از فرزندش نورالوری را معرفی کنم. مطالعات ما در این زمینه، به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (کتیبه‌خوانی) است.

## ابوالحسن نورالوری

### ۱. خاندان نورالوری

خاندان نورالوری از خاندان عالم و هنرمند دوره صفوی و قاجار هستند که در میان آنان، عالمان متعددی ظهور کرده‌اند که در زمینه دینی، تألیفاتی داشته‌اند. به جز آن، چندین هنرمند خوشنویس از میان این خاندان شناسایی شده‌اند. در دوره معاصر، مرحوم علی تشکری، یکی از بازماندگان این خاندان، ضمن تألیف کتابی با عنوان *تاریخچه علم و ادب در آران و بیدگل*، در کنار معرفی عالمان و شاعران و ادیبان این شهر، به معرفی این خاندان همت گماشته است. اطلاعاتی که وی درباره خاندان

نورالوری به دست می‌دهد، با دیگر منابع و اسناد تاریخی سازگار است.

یکی از بزرگان این خاندان که آثار متعددی در زمینه علوم دینی دارد، ملاغلامرضا

آرانی، از عالمان دوره قاجار است که در آثار وی، از ابوالحسن یاد شده است.

تشکری، ملاغلامرضا را از نوادگان ابوالحسن معرفی کرده و نسب این خاندان را به شخصی به نام ابوالحسن خطیب بحرینی رسانده که در دوره شاه تهماسب به ایران آمده است: «فخرالمحققین آیت الله ملاغلامرضا (۱۱۹۲ تا ۱۲۶۶) بن محمد بن ملامحمد جعفر بن ملا نورالوری بن ملا ابوالحسن بن ملامحمد تقی آرانسی: وی از احفاد ملا ابوالحسن خطیب بحرینی که در زمان شاه تهماسب، به ایران دعوت شده است.» (تاریخچه علم و ادب در آران و بیدگل، ص ۲۱-۲۲)

تشکری همچنین در معرفی ابوالحسن می نویسد: «حجۀ الاسلام ملا ابوالحسن ملقب به واعظ: جدّ جدّ ملاغلامرضا دارای تصنیفات و تألیفات بوده است. ملاغلامرضا در کتاب حجۀ البالغه، روایاتی از منتخب نقل می کند؛ ولی به دست اینجانب نرسیده است.» (همان، ص ۲۵)

همچنین میرزا احمد عاملی (وفات ۱۳۲۸ شمسی - ۱۳۶۹ هجری) عالمی از شاخه دیگر شجره نورالوری در کتاب نهج الرشاد، اسلاف این خاندان پس از ملا ابوالحسن را این گونه بیان می کند: «احمد بن محمد علی بن محمد مهدی بن محمد حسین بن حاج ابوطالب بن ابوجعفر بن ابوالحسن بن نورالوری بن ابوالحسن بن محمد تقی بن ابوالحسن بن محمد جعفر ابوالحسن الخطیب الواعظ عاملی الشامی»<sup>۱</sup>

## ۲. رساله هلالیه سندی درباره ابوالحسن

سند دیگری که در آن ابوالحسن و دو اثر دیگر وی معرفی شده، رساله هلالیه اثر همین ملاغلامرضا است. این کتاب به سال ۱۲۴۲ قمری، در شرح حال «محمد هلال» نوشته شده است.

ملاغلامرضا در جایی از این کتاب، در پایان نقل روایتی نسبتاً طولانی، درباره حسن بصری می نویسد: «تمام خط و بیرون نوشتنم از مجموعه ای که جدّ جدّم ملا ابوالحسن واعظ کاشانی جمع نموده و حکایت از حسن بصری نموده.» (رساله هلالیه، ص ۲۴۱)

وی همچنین در ادامه به اثری که ابوالحسن کتابت کرده، اشاره می کند: «ولیکن در حاشیه بحار از خط جدّ جدّم ملا ابوالحسن رحمه الله توجیهی دیگر دیدم.» (همان،

پژوهش نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲ ص ۲۴۲)



از این دو عبارت، ضمن اینکه سلسله نسبی که تشکری برای خاندان نورالوری آورده تأیید می‌شود، با دو اثر ابوالحسن آشنا می‌شویم که اولی را کتابت و دومی را جمع‌آوری و کتابت کرده است.

## آثار ابوالحسن

### ۱. کتاب جامع القصص تألیف ابوالحسن نورالوری

ابوالحسن فقط به کتابت و گردآوری نمی‌پرداخته، بلکه به تصنیف کتاب نیز دست می‌زده است؛ چنان‌که اخیراً یکی از آثار وی به نام *جامع القصص*، شناسایی و تصحیح شده است؛ اما مصححان چنان‌که خود اذعان می‌کنند، به منابعی که آنان را به شناخت ابوالحسن رهنمون کند، دست نیافته‌اند. با این اوصاف، نشانه‌های آشکاری در این کتاب وجود دارد که نشان می‌دهد ابوالحسن نورالوری واعظ، هم‌مین ابوالحسن نورالوری خوشنویس است.

کتاب *جامع القصص* که در حجمی ۶۰۰ صفحه‌ای، در موضوع داستان زندگی پیامبران و معصومان، به سال ۱۰۷۷ تألیف شده، دارای نثری ساده و مرسل است که گه‌گاه به نثر فنی نزدیک می‌شود. این کتاب ویژگی‌های نثر فارسی قرن نهم تا سیزدهم را دارد. (معرفی نسخه منحصر به فرد و ناشناخته *جامع القصص*، ص ۱۱۰-۱۱۱) نسخه منحصر به فرد این کتاب اخیراً در کاشان، شناسایی و توسط آقای محمدعلی پشتاره به کتابخانه مجلس اهدا شده است.<sup>۲</sup> (همان، ص ۱۲۵)

بنا بر معرفی مصححان در سه فقره از کتاب *جامع القصص*، مؤلف خود را معرفی کرده است. موضع اول در برگ ۳۱ سطر چهارم آمده است: «کاتبه و جامع الکتاب العبد ابوالحسن الواعظ نورالوری الادیب»؛ موضع دوم در برگ «پ ۱۰۸»: «کاتبه ابن ابوالحسن النورالوری الادیب- عفی عنهما»؛ موضع سوم در برگ «ر ۱۹۰» از سطر دهم چنین آورده است: «ابن ابوالحسن النورالوری الادیب». (همان، ص ۹۷ و ۹۸)

ظاهراً در خوانش نام نورالوری، مصححان به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند؛ زیرا در

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی

دو فقره از مؤلف با عنوان ابن ابوالحسن یاد شده و در یک جا ابوالحسن، سرانجام نیز در جمع‌بندی، وی با عنوان «ابوالحسن الواعظ الکاشانی النورالوری الادیب» معرفی شده است (همان، ص ۱۲۴)؛ البته بنا بر آنچه در ادامه خواهد آمد، نام نویسنده کتاب

جامع القصص ابوالحسن ابن نورالورای است نه ابن ابوالحسن نورالوری.  
لقب واعظ برای ابوالحسن نویسنده و کاتب جامع القصص را ملاغلامرضا نیز در  
رساله هلالیه برای جلدّ جدّش ابوالحسن ذکر کرده است. علاوه بر آن، اشاره غلامرضا  
به کتابت و تدوین کتاب توسط ابوالحسن، پذیرش تألیف این کتاب توسط وی را  
هموار می‌کند.



تصویر ۱: درب مسجد حاج سید حسین نوش آباد

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲



## ۲. درب مسجدحاج سید حسین نوش آباد

یکی از آثار باشکوه خوشنویسی ابوالحسن، کتابت درب چوبی مسجد حاج سیدحسین نوش آباد به تاریخ ۱۰۴۲ قمری است. این مسجد از آثار دوره صفوی است که حدود ۱۵۰ متر مساحت دارد. سقف مسجد کوتاه و به صورت تاق چشمه‌ای است با ستون‌هایی چهارگوش به قطر ۱/۵ تا ۲ متر. بنای مسجد ساده و مصالح آن از خشت و گل است؛ اما درب مسجد به طرز هنرمندانه‌ای مثبت‌کاری شده است (تصویر ۱).

این درب دارای کتیبه‌های زیبا روی هر دو لنگه است. در کتیبه بالایی دو لنگه در، آیه‌ای از قرآن به خط ثلث، به این ترتیب مثبت‌کاری شده است: «قال الله تعالی و تبارک و تقدس: وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸) در وسط هر لنگه، کتیبه مدور زیبایی حول محور یک طرح شمسه، به خط طغرای چلیپایی کنده‌کاری شده است که در یک کتیبه، هشت بار عبارت «یا صادق» به صورت قرینه و در بین آن‌ها عبارت «یا ستار» (چهار مرتبه) تکرار شده است. همچنین، روی کتیبه لنگه درب دوم، عبارت «یا فتاح» هشت بار تکرار شده است. در قسمت پایینی این لنگه درب، نام بانی درب و مسجد بدین صورت آمده: «قد عمر هذا المسجد الشريف المكان المنيف قطب‌الدین بن حاج حسام‌الدین فی سنة ۱۰۴۲» بر لبه پایینی درب سمت چپ، نام کاتب این خطوط دلنواز آمده است: «کاتبه ابوالحسن بن نورالوری عفی عنهما» (تصویر ۲) (قس نوش آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، ص ۵۵).



تصویر ۲: نام کاتب درب مسجد حاج سید حسین نوش آباد

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی



### ۳. کتیبه سنگ قبر

استاد ایرج افشار در سفری که در سال ۱۳۵۷ شمسی به آران و بیدگل کرده است، به چهار سنگ قبر در باغ شهرداری آران اشاره می‌کند که همه خوش‌تراش و خوش‌خط است؛ از جمله سنگ قبری به تاریخ شوال ۱۰۳۲ متعلق به خواجه میرزا محمود بن حاجی محمدعلی آرانی. استاد افشار درباره کتابت این سنگ می‌نویسد: «کتابه‌اش به خط بسیار خوشی است معرّف نام خوشنویسی است که او را نمی‌شناختیم و از او قطعه خطی نشنیده‌ایم» (سفرنامه‌چه، ص ۴۰۵)؛ اما این خوشنویس کسی جز ابوالحسن نورالوری نیست؛ چنان‌که خود بر این سنگ قبر نوشته است: «کاتبه ابوالحسن نورالوری بیدگلی عمل استاد حسن اصفهانی عفی عنهما» (همان‌جا).

پیش از جمع‌بندی بخش اول مقاله، ذکر نکته‌ای دیگر ضروری است و آن اینکه در دو نسب‌نامه‌ای که ارائه شد، ابوالحسن پسر محمدتقی ذکر شده بود نه نورالوری. در این باره دو ملاحظه وجود دارد: اول احتمال وجود اشکال در نسب‌نامه‌های موجود که احتمال آن ضعیف است؛ احتمال دوم که قوت بیشتری دارد، این است که نورالوری لقب محمدتقی پدر ابوالحسن بوده است و ابوالحسن در یادکرد از پدر، از نورالوری که لقب وی بوده، استفاده داده است. دلیلی که این فرض را قوت می‌بخشد، وجود نام‌های متعدد با پسوند نورالوری در خاندان ابوالحسن است. تشکری در اثر خود، به چند تن از این نام‌ها اشاره می‌کند: از جمله ملامیرزا محمدعلی نورالوری خلف ملا محمد و جلال‌الدین نورالوری برادر وی، همچنین فرزندان این دو، نظام‌الدین نورالوری، حسام‌الدین نورالوری و میرزا محمدعلی نورالوری (تاریخچه علم و ادب در آران و بیدگل، ص ۳۱ و ۳۲).

با توجه به دلایل و قراین ارائه شده مسلم می‌شود که ابوالحسن بن نورالوری که دو اثر کتیبه‌نگاری از وی در آران و بیدگل و نوش‌آباد به تاریخ ۱۰۳۲ و ۱۰۴۲ هجری شناسایی شده، همان ابوالحسن بن نورالوری است که کتاب جامع‌القصص را به سال ۱۰۷۷ تألیف و کتابت کرده است. لقب «واعظ» هم که ابوالحسن در این کتاب، برای خود قید می‌کند، قابل تطبیق با رساله هلالیه است؛ چنان‌که ملا غلامرضا جدّ جدّ خود را ابوالحسن واعظ معرفی کرده و آثاری شبیه جامع‌القصص را به وی منسوب داشته

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲

است. به جز دلایل مطرح شده در این باره، به قرینه‌ای دیگر نیز می‌توان توجه کرد؛ ابوالحسن در این سه اثر، با عبارت مشابهی خود را معرفی کرده است:  
در کتاب *جامع القصص*: «کاتبه ابن ابوالحسن النورالوری الادیب عفی عنهما»  
در کتیبه مسجد حاج سیدحسین نوش‌آباد: «کاتبه ابوالحسن بن النورالوری عفی عنهما»

بر سنگ قبری در آران و بیدگل: «کاتبه ابوالحسن نورالوری بیدگلی... عفی عنهما»

### نورالوری ابن ابوالحسن

از خاندان نورالوری، اثر نفیس دیگری در دست است که حدود نیم قرن بعد از آخرین اثر شناخته شده ابوالحسن پدید آمده است. این اثر درب چوبی مسجد حاج عبدالصمد بیدگل است که در سال ۱۱۱۴ هجری کتابت شده و امضای نورالوری دارد که به نظر ما وی نورالوری پسر ابوالحسن است. پیش از اثبات و تبیین این ادعا به سراغ مسجد و کتیبه‌های درب آن می‌رویم.

این مسجد قدیمی ساخت که به نام واقفش حاج عبدالصمد شهرت دارد، در دو طبقه و با مصالح خشت و گل بنا شده و در سال‌های اخیر، بخش‌های مختلف آن با مصالح جدید مرمت شده است. از ویژگی‌ها و زیبایی‌های این مسجد، ایوان مرتفع و دلنواز شمالی و دالانی است که از زیر آن عبور کرده و دو کوچه جانین مسجد را به هم متصل کرده است. در کنار این مسجد، چاهی است که مردم بر آن بنایی ساخته و آن را قدمگاه صاحب الزمان می‌خوانند. درب چوبی دو لنگه‌ای نفیس مسجد که یادگاری از دوران صفوی است، اکنون از جای اصلی خود برداشته شده و در ویتروینی داخل مسجد نگهداری می‌شود.

#### ۱. کتیبه‌های درب مسجد

بر بالای هر دو لنگه درب، دو کتیبه در قاب‌های مجزا آمده است. در کتیبه اول، آیه ۱۸ سوره توبه و انگیزه وقف این مسجد این گونه آمده است: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ، قد وقف قربه الى الله تعالى»

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی





اما بر کتیبه دوم دو حدیث از پیامبر (ص) است که در دو قاب به صورت قرینه آمده است: قاب سمت راست: «قال النبی صل الله علیه و آله: المسجد بیت کل التقی»؛ قاب سمت چپ: «انا مدینه العلم و علی بابها» (تصویر ۳).



تصویر ۳: درب مسجد حاج عبدالصمد بیدگل

پژوهش نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲



بر میان دو لنگه درب، در دو طرح زیبا حول محور طرح شمسه به خط طغرای چلیپایی عبارات «یا فتاح» و «یا صادق» کتابت شده است. به این ترتیب که در قاب مدور لنگه طرف راست، هشت بار «یا فتاح» و در لنگه سمت چپ، هشت بار «یا صادق» آمده که هر دو گونه‌ای توسل به اسماء الله است.

در پایین درب نیز در هر یک از دو لنگه، در دو قاب وقف‌نامه، نام واقف و نام هنرمندان آمده است. در دو قاب بالایی وقف‌نامه این‌گونه آمده است: «وفق الواقف هذا الباب - بانی المكان الشریف - هو الموات الله [؟] بتأیید الملك الاحد - الحاج عبدالصمد ابن مرحوم زائر الحرمین الاقدسین حاجی محمد حسین سنه اربع عشر مائه الف». سپس در هر یک از دو قاب، دیگر هنرمندان کاتب و نجار این‌گونه معرفی شده‌اند: «کتبه نورالوری»، «نجره استاد حسن بیک ابن محمد نجار».<sup>۳</sup> در تمام لبه درب لنگه سمت چپ نیز پس از آیه «بسم الله الرحمن الرحیم»، آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیه الكرسي) به صورت عمودی کتابت شده است.



تصویر ۴: نام کاتب درب مسجد حاج عبدالصمد

گرچه کاتب این درب نورالوری است، سال کتابت آن (۱۱۱۴ هجری) با تاریخ سه اثر قبلی (۱۰۲۳، ۱۰۴۲ و ۱۰۷۷ ق) مطابقت ندارد؛ یعنی ممکن نیست خوشنویسی که در سال ۱۱۳۲ در خوشنویسی استاد بوده است، در سال ۱۱۱۴ نیز در قید حیات بوده

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی

یا اینکه توانایی خلق چنین اثری داشته باشد؛ از این رو، استاد ایرج افشار به حق اظهار تعجب می‌کند که چرا تاریخ کتابت سنگ قبر (۱۰۳۲) و کتابت درب این مسجد (۱۱۱۴) که ظاهراً آن را یک نفر کتابت کرده است، با هم سازگار نیست؟ (سفرنامه، ص ۴۰۵ و ۴۰۶) جواب این است که خوشنویس درب مسجد حاج عبدالصمد بیدگل، کسی غیر از کاتب کتیبه‌های قبلی است. دقت در نام این دو هنرمند نیز ما را به این نکته رهنمون می‌کند؛ زیرا کاتب سه اثر قبلی «ابوالحسن بن نورالوری» است؛ اما کاتب درب مسجد حاج عبدالصمد «نورالوری» است. در وهله اول، شاید به نظر برسد که نورالوری باید پدر ابوالحسن باشد؛ اما این هم ممکن نیست؛ زیرا محال است پدر کسی که در سال ۱۱۳۲ استاد خط بوده، به سال ۱۱۱۴ در قید حیات بوده باشد؛ بنابراین، باید به دنبال نورالوری دیگری باشیم.

## ۲. نورالوری کیست؟

از طرف دیگر، طرح درب مسجد حاج عبدالصمد را که نورالوری آن را به سال ۱۱۱۴ خوشنویسی کرده، برگرفته از درب مسجد حاج سیدحسین نوش‌آباد است که ابوالحسن بن نورالوری آن را طراحی و کتابت کرده است؛ بنابراین می‌توان درب تاریخ ۱۱۱۴ را ادامه سنت هنری سال ۱۰۴۲ در خاندان نورالوری دانست. گرچه طرح درب مسجد حاج سید حسین، کوچک‌تر و کتیبه‌های آن کمتر است، اما به باور خوشنویسان از لحاظ هنر خوشنویسی، ماهرانه‌تر از درب دوره بعد است.<sup>۴</sup> در واقع درب سال ۱۱۱۴ تقلیدی موفق از درب قبلی دانست. گویا این سبک ویژه خاندان هنرمند نورالوری بوده است؛ زیرا اسناد دیگری نیز در دست است که نشان می‌دهد کتیبه‌نگاری و خوشنویسی، سنتی جاری در میان خاندان ابوالحسن نورالوری بوده است.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که نورالوری کیست و چه نسبتی با ابوالحسن دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، یک بار دیگر نسب‌نامه خاندان نورالوری را در کتاب تاریخ علم و ادب در آران و بیدگل مرور می‌کنیم. تشکری در معرفی غلامرضا آران‌ی کاشانی (۱۱۹۲ تا ۱۲۶۶) یکی از خاندان نورالوری می‌نویسد: «ملا غلامرضا بن محمدعلی بن ملا محمدجعفر بن نورالوری بن ملا ابوالحسن بن ملا محمدتقی».

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره دوم  
بهار و تابستان ۱۳۹۲



با دقت در این نسب‌نامه و با در نظر گرفتن ملاحظات دیگر معلوم می‌شود که نورالورای کاتب درب مسجد حاج عبدالصمد، همین نورالوری فرزند ابوالحسن است. به لحاظ طبیعی نیز ممکن است نورالوری که پدرش ابوالحسن در سال ۱۰۷۷ هجری زنده بوده است، در سال ۱۱۱۴ در قید حیات باشد. از تاریخ وفات نورالوری اطلاعی در دست نیست؛ اما سال مرگ ملا محمدجعفر پسر نورالوری را صباحی بیدگی در ماده تاریخی ۱۱۸۱ هجری ذکر کرده که با این تاریخ سازگار است (دیوان صباحی بیدگلی، ص ۲۱۵؛ مقایسه شود با تاریخچه علم و ادب در آران و بیدگل، ص ۲۰)

بنابراین، معلوم شد که نورالوری کاتب درب مسجد حاج عبدالصمد فرزند ابوالحسن است. بر این اساس، وی سعی کرده است سبک کتیبه‌نگاری پدر را به کمال برساند. این توفیق اگر از جهت کیفیت خوشنویسی محرز نیست، از جهت کمیت مسلم است.

### ۳. میراث خوشنویسی در خاندان نورالوری

قرینه دیگری که در این باره می‌توان ارائه داد، ادامه موروثی هنر خوشنویسی در میان خاندان نورالوری است؛ از جمله غلامرضا آرانی در رساله هلالیه، در بحث از زیارت‌نامه‌های زیارتگاه محمدهلال به زیارت‌نامه‌ای به خط عموی جدش که روی صفحه‌ای مسین کتابت شده است، این چنین اشاره می‌کند: «روزی تجسس نمودم. لوحی از مس یافتم که در آن زیارتی را کنده بودند و آن لوح به خط غفران قرین ملا محمدتقی یکی از اعمام جد کمترین بود، نوشته شده» (۲۸۶).

بنا بر نسب‌نامه این خاندان نورالوری زنده به سال ۱۱۱۴ هجری پدر جد ملا غلامرضاست و ملا محمدتقی که عم جد ملا غلامرضاست، باید برادر همین نورالوری باشد.

به جز آن در شاخه‌ای از این شجره که میرزا احمد عاملی خود را از آن می‌داند، به

نام حاج ابوطالب کاتب برمی‌خوریم که از اخلاف همین خاندان است و لابد کتابت و خوشنویسی شغل وی بوده که به این لقب نامبردار شده است.<sup>۵</sup>

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی

## سخن پایانی

در این مقاله، ضمن معرفی ابوالحسن نورالوری، خوشنویس زبردست دوره صفوی، چند اثر از ابوالحسن نورالوری و یک اثر از فرزندش نورالوری شناسایی و معرفی شد و معلوم گشت که سنت خوشنویسی در فرزندان و نوادگان وی، به عنوان میراثی هنری بر جای مانده است.

درباره محل زندگی ابوالحسن نیز باید گفت که گرچه نورالوری خود را بیدگلی معرفی کرده و نسبت بیدگلی تا زمان فرزندش محمدجعفر نیز حفظ شده است، غلامرضا آرانی نواده محمدجعفر و دیگر بازماندگان این خاندان، گویا به آبادی مجاور (آران) مهاجرت کرده‌اند. اکنون این دو آبادی تبدیل به شهر «آران و بیدگل» شده است؛ شهری که در سده‌های اخیر، نقش انکارناپذیری در عرصه فرهنگ و ادب و هنر منطقه کاشان داشته است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. *نهج الرشاد* (نسخه خطی)، ص ۵۳۲ (بنا بر نقل آقای حبیب الله سلمانی که صفحه‌بندی نهج الرشاد هم از اوست).
۲. شماره فهرست ۱۸۶۴۹ و شماره ثبت ۲۰۹۸۱۴.
۳. استاد مرحوم ایرج افشار قسمتی از کتیبه وقف‌نامه درب، به‌علاوه کتیبه نام هنرمندان خوشنویس و نجار را خوانده است. تفاوت آن با خوانش ما در نام هنرمند نجار است، خوانش استاد این است: «وقف حاجی عبدالصمد بن المرحوم زائر الحرمین... حاجی محمد حسین تحریرا فی سنه اربع عشر و مائه الف (کذا) کتبه نورالوری. نجره ابن استاد حسن محمد بیک نجار».
۴. از هنرمند خوشنویس آقای خسرو خلیق نوش آبادی سپاسگزارم که هم در بازخوانی کتیبه‌ها و هم مقایسه ظرافت‌های این دو اثر، مرا یاری کرد.
۵. بنا بر نسب‌نامه‌ای که نزد شاعر معاصر آقای شهاب تشکری از اخلاف این خاندان است. این نسب‌نامه قابل تطبیق با نسب‌نامه کتاب *نهج الرشاد* است که ذکر آن گذشت.

## منابع

- قرآن کریم.
- تاریخچه علم و ادب در آران و بیدگل؛ علی تشکری، حبیب الله سلمانی، آستانه محمد هلال، آران و بیدگل ۱۳۷۴.
- دیوان صباحی بیدگلی؛ حاجی سلیمان صباحی بیدگلی، چ ۱، سلسله نشریات ما، تهران ۱۳۶۵.
- رساله هلالیه؛ ملاغلامرضا آرانی، به اهتمام حبیب الله سلمانی آرانی، چ ۱، انجمن اهل قلم، آران و بیدگل ۱۳۷۹.
- سفرنامهچه (گلگشت در وطن)؛ ایرج افشار، اختران، تهران ۱۳۸۴.
- «معرفی نسخه منحصر به فرد و ناشناخته جامع القصص تألیف ابن ابوالحسن الواعظ الادیب کاشانی (۱۰۷۷هـ)»؛ علی محمد پشت دار و زهرا حاجی وند، مجله کاشان شناخت، سال پنجم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- نوش آباد در آینه تاریخ آثار تاریخی و فرهنگ؛ محمد مشهدی نوش آبادی، مرسل، کاشان ۱۳۷۸.
- نهج الرشاد فی شرح الارشاد؛ میرزا احمد عاملی، مجموعه نسخه های خطی آستان امامزاده محمد هلال، آران و بیدگل، تاریخ تألیف: ۱۳۴۶ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ابوالحسن نورالوری  
و پسرش نورالوری  
خوشنویسان عهد  
صفوی

